Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 3, Issue 3, 2023

Collaborative Criminal Policy against Cultural Crimes

Farzaneh Nikfarjam[1], Seyed Hossein Hosseini*[2], Abbas Sheikholeslami[3]

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ma.c., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:
Original Research
Pages: 195-206

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0002-5704-2573*
TELL: *+989158847457*
Email: *shosseini@um.ac.ir*

Article history:
Received: *28 Aug 2022*
Revised: *23 Sep 2022*
Accepted: *27 Dec 2022*
Published online: *23 Sep 2023*

Keywords:
Cultural Crimes, Participatory Criminal Policy, People's Participation, Government Response, Community Response.

ABSTRACT

Cultural crimes are crimes that are committed with the main purpose of violating culture, belief, norms and custom. Participatory criminal policy is the participation of civil society at different levels with the aim of preventing and intervening the society. Regarding cultural crimes, there are two government and community responses, and the main place of public participation is in the community response. This research answers the question with descriptive analytical method and using library findings, what is the approach of collaborative criminal policy against cultural crimes? Participatory criminal policy can play a significant role in controlling cultural crimes, but the capacities of public participation have not been well explained and used so far. Participatory criminal policy follows the two approaches of strengthening people's participation in government response and strengthening people's participation in community response, which in community response, the effectiveness of participatory criminal policy measures is more than measures in government response. It has various and important challenges in controlling cultural crimes that reduce its effectiveness. Cultural crimes can be divided in the form of property, behavior, covering and publication of prostitution. Collaborative criminal policy has a long way to go to achieve optimal conditions in the implementation of its goals.

This is an open access article under the CC BY license. © 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Nikfarjam, F; Hisseini, SH & Sheikholeslami, A (2023). "Collaborative Criminal Policy against Cultural Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(3): 195-206.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir
انجمن علمی فقه جزای تطبیقی ایران
فصلنامه فقه جزای تطبیقی

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی

فرزانه نیک‌فرجام[۱]، سید حسین حسینی*[۲]، عباس شیخ‌الاسلامی[۳]

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۱۹۵-۲۰۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۵۷۰۴-۲۵۷۳
تلفن: ۹۸۹۱۵۸۸۴۸۴۵۷+
ایمیل: shosseini@um.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

جرایم فرهنگی، سیاست جنایی مشارکتی، مشارکت مردم، پاسخ دولتی، پاسخ جامعوی.

چکیده

جرایم فرهنگی، جرایمی هستند که افعال مادی ارتکاب آن، با هدف اصلی نقض فرهنگ، باور، هنجار و عرف صورت می‌گیرد. سیاست جنایی مشارکتی نیز، مشارکت جامعه مدنی در سطوح مختلف باهدف پیشگیری و مداخله‌گری جامعه است. در قبال جرایم فرهنگی دو پاسخ دولتی و جامعوی ارائه می‌شود که جایگاه اصلی مشارکت مردمی، در پاسخ جامعوی است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از یافته‌های کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ می‌دهد که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی چیست؟ سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند در کنترل جرایم فرهنگی نقش به‌سزایی داشت باشد ولی ظرفیت‌های مشارکت مردمی، تاکنون به‌خوبی تبیین و استفاده نشده است. سیاست جنایی مشارکتی، دو رویکرد تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی و تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی را دنبال می‌کند که در پاسخ جامعوی، تأثیرگذاری اقدامات سیاست جنایی مشارکتی بیشتر از اقدامات در پاسخ دولتی است. چالش‌های گوناگون و مهمی در کنترل جرایم فرهنگی دارد که تأثیرگذاری آن را کاهش می‌دهد. جرایم فرهنگی در قالب اموال، رفتار، پوشش و نشر فحشا قابل‌تقسیم‌بندی است. سیاست جنایی مشارکتی، برای رسیدن به شرایط مطلوب در اجرای آرمان‌های خود، راه طولانی در پیش دارد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

جرایم فرهنگی از جمله جرایمی هستند که تعریف، تعیین معیار و مصادیق آن، با دشواری روبه‌رو است و هنوز عبارت «جرایم فرهنگی» جایگاه خود را در حقوق کیفری ایران با چنین ترکیبی به دست نیاورده است. با این حال، پیشینه ارتکاب این جرایم، طولانی‌تر از هر قانون و حقوقی است و نیاز به پاسخ‌دهی نسبت به این جرایم به‌دلیل آثار سوء آن، از نظر شرعی، عقلی و اجتماعی، ضروری تلقی می‌شود. سؤال اصلی تحقیق این است که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی چیست؟ علت پرداختن به سیاست جنایی مشارکتی، این است که سیاست جنایی مشارکتی، در تلاش است تا در قبال پدیده مجرمانه، از طریق مشارکت مردم و جامعه با استفاده از ابزارهای عدالت کیفری تنبیهی و نیز عدالت ترمیمی، شرایط مناسب برای مثلث پدیده مجرمانه یعنی بزهکار، بزه‌دیده و جامعه فراهم کند. ویژگی اصلی سیاست جنایی مشارکتی، استفاده گسترده از جامعه مدنی است که علاوه برنهادهای قضایی، با کمک رسانه و انجمن‌ها و شهرداری‌ها، شرایط مناسب برای برقراری نظم در جامعه را فراهم کند (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۶۳). این سیاست برای قبل و بعد از وقوع پدیده مجرمانه برنامه دارد ولی هدف اصلی آن، مربوط به قبل از وقوع پدیده مجرمانه است که با گسترش این اقدامات، واکنش اجتماعی متناسب را تبیین می‌کند. اگر فرهنگ جامعه، مورد تعرض قرار بگیرد، با توجه به جایگاه فرهنگ، باید نسبت به آن، اقدام متناسب صورت گیرد تا خدشه به فرهنگ و ساختارهای فرهنگی عمق پیدا نکند و شرایط اجتماعی فرهنگی، به حالت مطلوب بازگردد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۴). به‌همین‌منظور، لازم است تا در خصوص «سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی» با توجه به ویژگی‌های اجتماعی جرایم فرهنگی، راهکارهای موجود در آن شناسایی و بررسی شود. جرایم فرهنگی دارای ویژگی‌های زیر است:

– برخی از این جرایم (درواقع، همه جرایم فرهنگی به‌جز جرایم علیه اموال فرهنگی)، متأثر از مذهب و سیاست است: زمانی که موضوع حجاب و پوشش مطرح می‌شود یا ملاک رفتار مردم در اجتماع، شرع اسلامی است یا اعمال متضاد با اسلام به‌عنوان نشر فساد و فحشاء معرفی می‌شود، این جرایم را دارای چهره مذهبی و سیاسی می‌کند؛ زیرا فرهنگ با موضوع مذهب و سیاست درآمیخته است و بنیان‌های فرهنگی، مبتنی بر مذهب و سیاست، ساخته می‌شود (بدیع، ۱۳۷۶: ۸۸ و بیابانی، ۱۳۸۶: ۲۱).

– جرم‌انگاری برخی از این جرایم (درواقع، همه جرایم فرهنگی به‌جز جرایم علیه اموال فرهنگی)، با اصل استقلال فردی تعارض دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). مطابق این اصل، پوشش، رابطه شخصی (رابطه نامشروع، نگهداری داده مستهجن) مطابق با آزادی عقیده افراد است و هر شخص، مسیر زندگی خود را انتخاب می‌کند و با جرم‌انگاری برخی از این جرایم، این عبارت مفهوم پیدا می‌کند که «عده‌ای از افراد جامعه برای دیگران تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف می‌کنند و قصد دارند آن‌ها را به‌اجبار، هدایت کنند.»

– این جرایم برهم زننده نظم عمومی و اجتماعی است و الزامی به ارتکاب آن در سطح عمده یا کلان وجود ندارد. بلکه در یک جامعه محلی کوچک نیز، قابل تحقق است (اکبری و قناد، ۱۳۹۵: ۴۴).

– دیدگاه نسبت به این جرایم، با سطح اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تغییر می‌کند. مثلاً در یک جامعه، ممکن است این جرایم از دیگر جرایم اهمیت بیشتری داشته بشد ولی در مناطق دیگر یا جوامع دیگر، این جرایم، خرد و سطحی محسوب شود و یا حتی ممکن است مذموم دانسته نشود (پرسدی، ۱۳۹۶: ۳۴).

– در برخی از این جرایم، شخصی (حقیقی یا حقوقی) به‌عنوان بزه‌دیده مستقیم شناخته نمی‌شود بلکه باور جامعه بزه‌دیده مستقیم است و با جنبه فرهنگی جرایم، تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

اساساً نقض حقوق انسان‌ها، حیوانات، محیط‌زیست و... نوعی تداخل و تعارض فرهنگی دارد ولی نمی‌توان به‌تمامی این جرایم، وصف فرهنگی را الحاق کرد. به‌طور مثال، قاچاق انسان، کشتن حیوانات بی‌آزار و فروش گوشت آنان به‌جای دیگر حیوانات یا تخریب محیط‌زیست، اگرچه مرتکب را بی‌توجه به

فرهنگ و باور جامعه می‌دانیم ولی جزء جرایم فرهنگی محسوب نمی‌کنیم.

بدین ترتیب، ابتدا مفهوم و مصادیق جرایم فرهنگی شناسایی و تبیین می‌شود تا از طریق آن، مدل مفهومی و الگوی معیار شناسی، طراحی و بر پایه آن، راهکارهای سیاست جنایی مشارکتی معرفی شود. در ادامه، پاسخ‌ها به جرایم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی بررسی شود.

پیش از پرداختن به این بحث لازم است تا در قبال پیشینه موضوع جرایم فرهنگی این توضیح داده شود که آثار متنوعی (آسیایی، ۱۳۹۶؛ آقائی، ۱۳۹۷؛ پرسدی، ۱۳۹۶؛ زینالی، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۲ و ابراهیمی جرجانی، ۱۳۹۷) در تشریح و تبیین جرایم فرهنگی و یا جرم‌شناسی فرهنگی تهیه شده است که اگرچه برخی از آثار به بیان جرایم حوزه فرهنگ (زینالی، ۱۳۹۴: ۴۶-۵۲) اقدام نموده‌اند ولی کمتر اثری، به رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی پرداخته است. از طرفی، تعریف و مصادیق جرایم فرهنگی، همچنان محل اختلاف و تبادل نظر است که پرداختن به آن را توجیه می‌کند.

۱- مفهوم و مصادیق جرایم فرهنگی در حقوق کیفری ایران

«فرهنگ» در لغت به معنی «ادب، تربیت، دانش، مجموعه آداب‌ورسوم، مجموعه علوم و مهارت یک قوم» است و به فرد دارای فرهنگ، بافرهنگ گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۵: ۷۲۹). فرهنگ دارای مفهومی اجتماعی و عرفی است که عناصر تشکیل‌دهنده آن عبارت است از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انگارهای رفتاری، تعارض نقش‌ها و منزلت اجتماعی که در هر جامعه‌ای و قومیتی تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۹۷: ۴۷). منظور از جرایم فرهنگی، فعل یا ترک فعل یا حالت یا رفتاری است که ناشی از بی‌توجهی و تعارض بافرهنگ عامه و مسلم جامعه صورت می‌گیرد. این فرهنگ باید دارای ویژگی‌های مقبولیت و مشروعیت در جامعه باشد و حسن ذاتی و عقلی بر آن صادق باشد. در جرایم فرهنگی، فرهنگ جامعه بزه‌دیده مستقیم است و رکن مادی جرم، باصفت نقض فرهنگ جامعه، همراه است؛ مانند جرایم اقتصادی که نظم اقتصادی جامعه به‌عنوان بزه‌دیده و رکن مادی آن، نقض شرایط اقتصادی مبتنی بر تزویر است (گسن، ۱۳۹۲: ۲۶). مانند جرایم اخلاقی که اخلاق، بزه‌دیده و رکن مادی این جرایم، نقض اخلاق است (سجادی، ۱۴۰۰: ۱۷). البته جرایم فرهنگی برخلاف دوگونه جرایم اقتصادی و اخلاقی، دارای جرم‌شناسی خاص و اختصاصی است. «جرم‌شناسی فرهنگی»، دربرگیرنده دیدگاه‌ها و گرایش‌ها موجود در جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و عدالت کیفری است و نقش ساختارهای فرهنگی در وقوع جرم را بررسی می‌کند. (فرهنگ مجرمانه) با کمک جرم‌شناسی فرهنگی، می‌توان تحلیلی فرهنگی از بزهکاری نمود و مطالعاتی در دو محور جرم‌شناسی و آموزه‌های فرهنگی صورت داد (گسن، ۱۳۷۰: ۴۱). در جرم‌شناسی فرهنگی، با استفاده از نگرش فرهنگی و اجتماعی، سعی دارد تا چگونگی رخداد یک جرم را باوجود برنامه‌هایی که برای کاهش بزهکاری طراحی‌شده‌اند توضیح دهند و نیز به چگونگی شکل‌گیری انحرافات و انشعابات فرهنگی و مقاومت آن‌ها در برابر قوانین کیفری پی ببرند (آقائی، ۱۳۹۷: ۳۱).

تعارضات فرهنگی که به دو شیوه بزه و انحراف به وجود می‌آیند، دارای انواع مختلفی است که به سه دسته بزه فرهنگی کیفری و تخلف فرهنگی کیفری و انحرافات فرهنگی کیفری تقسیم می‌شود. تخلفات فرهنگی کیفری به سه‌شاخه تخلف انتظامی فرهنگی، تخلف انضباطی فرهنگی و تخلف اداری فرهنگی تقسیم می‌شود. گونه‌های انحراف فرهنگی عبارت‌اند از: خرده‌فرهنگ مجرمانه، خرده‌فرهنگ انحرافی و خرده‌فرهنگ انضباطی. بزه فرهنگی نیز دارای دو ضابطه جرم‌شناختی و فرهنگ است که بنابر ضابطه جرم شناختی، انگیزه مرتکب، آثار رفتار وی و محیط ارتکابی جرم به شناخت جرم فرهنگی کمک می‌کند و مطابق با ضابطه فرهنگی، هر عمل نابهنجاری که متعارض با شئون و فرهنگ جامعه باشد، چهره این جرایم را معرفی می‌کند. اگر ناهنجاری در قانون، جرم شناخته شود و تدابیر کیفری برای آن اتخاذ شود، جرم یا بزه فرهنگی است و اگر تخلف محسوب شود و مجازات انتظامی یا انضباطی داشته باشد، تخلف فرهنگی است.

مدل مفهومی ۱: اقسام تعارضات فرهنگی

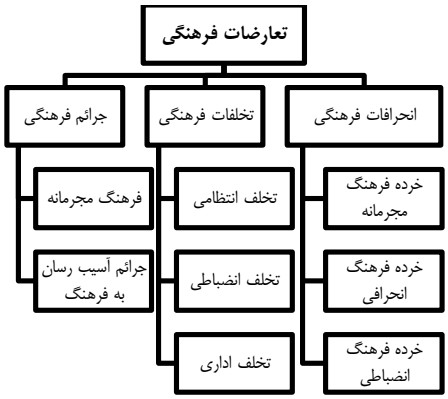

مدل مفهومی ۲: اقسام خرده‌فرهنگ مجرمانه و جرایم فرهنگی

از میان تعارضات فرهنگی فوق، خرده‌فرهنگ مجرمانه از زیرمجموعه انحرافات فرهنگی و شاخه جرایم فرهنگی، محور اصلی این تحقیق است. گستردگی مفهوم و قلمروی فرهنگ، موجب می‌شود تا دسته‌بندی این جرایم، همواره با چالش روبه‌رو باشد. بااین‌حال، جرایم فرهنگی، ممکن است در قبال اموال فرهنگی باشد که تخریب، سرقت، حفاری غیرمجاز، فعالیت‌های بدون مجوز، قاچاق نسبت به اموال تاریخی، باستانی، فرهنگی، مذهبی است. (مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) همچنین ممکن است این جرایم فرهنگی مبتنی بر رفتار متعارض فرهنگی باشد که عبارت‌اند از: توهین، مزاحمت برای بانوان و اطفال، رابطه نامشروع، عدم رعایت حجاب شرعی، اعمال منافی عفت، مزاحمت به‌وسیله تلفن و مخابرات، انتشار تصاویر مستهجن (مواد ۶۰۷، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۱ و ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و مواد مربوط در قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸). البته موضوعات مختلف در قوانین خاص مانند قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی، قانون نحوه مجازات فعالیت در امور سمعی و بصری ۱۳۸۶ و قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ۱۳۸۳ نیز به حوزه فرهنگ ارتباط دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۴۶) که با تعریفی که در این تحقیق از جرایم فرهنگی ارائه شده است، استفاده از ماهواره یا نشر اکاذیب در مطبوعات را جرم فرهنگی محسوب نمی‌شود و دارندگان دستگاه دریافت‌کننده ماهواره را ناقض فرهنگ جامعه تصور نمی‌شوند؛ زیرا اگر قرار باشد هر موضوع مجرمانه‌ای، از زاویه فرهنگی به آن نگریسته شود، چالش وسعت مفهوم و قلمرو فرهنگ، موجب گستردگی جرایم فرهنگی می‌شود. از طرفی، ارتکاب این جرایم، اگرچه جنبه فرهنگی دارد ولی در برخی از این موارد، حمایت از فرهنگ، هدف ثانویه قانون‌گذار است. به‌عبارت‌دیگر، در این موارد، چهره عنصر مادی جرایم، صرفاً فرهنگی نیست اگرچه امنیت فرهنگی از طریق ماهواره و امثال آن، مورد تعرض قرار می‌گیرد. (برای مطالعه نظر مخالف، رک. به: زینالی، ۱۳۹۴: ۴۸-۵۰ و جلالیان و ایل زکی، ۱۳۹۶). بااین‌حال، علاوه بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مواد مربوط به تهیه و انتشار آثار مستهجن یا مبتذل خانوادگی و سوءاستفاده از آن، در زمره جرایم فرهنگی قرار می‌گیرد (مواد ۳، ۴، ۵ و ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند ۱۳۸۶). موضوع شرب خمر و مصرف مشروبات الکلی نیز که ازنظر برخی از محققان به‌عنوان خرده‌فرهنگ مجرمانه (محمدی، ۱۳۹۷) یا جرم فرهنگی (زینالی، ۱۳۹۴: ۳۱۴) معرفی شده است، در این تحقیق به عنوان جرم فرهنگی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا فرهنگ جامعه با مصرف مشروبات الکلی بزه‌دیده نمی‌شود و منطبق بر تعریف مذکور در این تحقیق نیست. درنهایت آن‌که از تعبیر برخی از جرم شناسان نیز نباید غافل شد که جرایم فرهنگی، کارناوالی (جشنواره - مجموعه) از جرایم مختلف است که بسترهایی مانند مصرف‌گرایی و لذت بردن از جرم دارد و زاده سرمایه‌داری و خانواده ضعیف و آموزش نامناسب است که از رفتارهای منحرفانه به اعمال مجرمانه می‌رسد (پرسدی، ۱۳۹۶: ۲۱). درنهایت، خرده‌فرهنگ مجرمانه و جرایم فرهنگی به اقسام زیر تقسیم‌شده است:

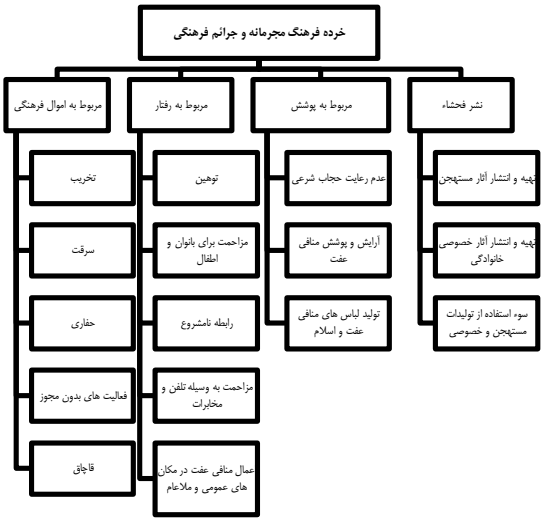

۲- پاسخ‌ها به جرایم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی

در حقوق کیفری ایران، رویکرد مناسب برای جرایم فرهنگی، سیاست کیفری تنبیهی و عدالت مطلق است و تسامحی در آن دیده نمی‌شود و سخت‌گیرانه محسوب می‌شود (زینالی، ۱۳۹۴: ۶۹). بدین معنا که به قانون‌گذار همواره پیشنهاد می‌شود در جرم‌انگاری برخی از موضوعات، صرف‌نظر و جرم‌زدایی کند؛ ولی در حقوق ایران، از شدیدترین کیفر مانند اعدام تا گونه‌های دیگر کیفر مانند حبس، شلاق و جزای نقدی پیش‌بینی‌شده است و علی‌رغم اتخاذ کیفر در سیاست جنایی تقنینی و اجرای آن در سیاست جنایی قضایی، هنوز نتوانسته است شرایط مناسبی در کنترل این جرایم ایجاد شود.

سیاست کیفری، جزء و رکنی از سیاست جنایی است که در شاخه سیاست جنایی تقنینی و مبتنی بر اصل قانون بودن حقوق جزا، ظاهر می‌شود. نتیجه همکاری علم جرم‌شناسی و حقوق جزا، علم سیاست کیفری به وجود می‌آید که روش صحیح مبارزه با جرم است. سیاست کیفری مبتنی بر نظریات جرم شناختی و یافته‌های علمی و متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی، در واکنش به پدیده مجرمانه است (دلماس مارتی، ۱۳۹۸: ۱۶ و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۳۸). افزایش جرم‌انگاری بدون توجه به زیرساخت‌های پیشگیری و درمان بزهکاران، ضمن ایجاد محدودیت و امنیت‌گرایی در جامعه، افزایش بزهکاری را به همراه دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۱). از طرفی نظام عدالت کیفری، تنها موظف به کیفر رساندن بزهکاران نیست؛ بلکه وظیفه اصلی نظام عدالت کیفری، اجرای عدالت، برقراری نظم و کاهش جرم است که نظام فعلی در هر سه اهداف نظام عدالت کیفری، کارآمد تلقی نمی‌شود (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴: ۴۲). به‌همین‌منظور است که آرمان کیفر در سیاست کیفری ایران، ارعاب پذیری سایر بزهکاران مطرح‌شده (ساداتی، ۱۳۹۸: ۶۸) ولی باید به آرمان ارعاب‌پذیری مرتکب جرم و اصلاح بزهکار تغییر مسیر دهد. واقعیت کیفر در سیاست کیفری ایران قدرت‌نمایی نظام عدالت کیفری است (ساداتی، ۱۳۹۸: ۷۳) ولی باید به مشارکت اجتماعی تغییر کند. کیفر در حقوق ایران از ساختار قدرت، اقتدار، ارعاب و تک ساختی تشکیل‌شده است (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴: ۶۱) ولی می‌تواند در کنار ساختار سخت‌گیری، به مشارکت جامعه مدنی، عدالت ترمیمی، اصلاح بزهکار و انعطاف قضایی تغییر داد. حقیقت این است که جامعه مدرن، تمایل به سرمایه‌گذاری در سیاست جنایی مشارکتی دارد تا از یک‌سو، پیشگیری از جرم را به عینیت تبدیل کند و هم کیفر رساندن را با شیوه فایده‌مندی و منفعت‌گرایی دنبال کند. برای همین منظور است که در سیاست جنایی مشارکتی، پیشگیری از بزهکاری به‌صورت خاص، به پیشگیری از جرم در مدیریت شهری تغییر رویکرد داده است. همچنین سیاست‌های پیشگیرانه، مدرن و کارآمد می‌شود. از طرفی برای کیفر رساندن، پلیس از ابزارهای بیشتر فعال‌تری برای مقابله با بزهکار در اختیار دارد و حمایت از بزه‌دیده و گزارش بزه‌دیدگی از طریق جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد محقق می‌شود (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۸۰).

در قبال پدیده مجرمانه، دو پاسخ دولتی و جامعوی وجود دارد. در پاسخ دولتی، اگرچه منافعی همچون اقتدارگرایی، سرعت در پاسخ به پدیده مجرمانه و برقراری نظم وجود دارد ولی ابهاماتی همچون کاهش آزادی‌های انسانی، تضییع کرامت انسانی، حذف جامعه محلی، حذف بزهکار، افزایش تکرار جرم در آن نهفته است (اکبری و قناد، ۱۳۹۵: ۱۶۶). ساختار مطلوب سیاست جنایی، تلفیق پاسخ دولتی با جامعوی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۹). منظور از پاسخ جامعوی، همان رویکرد ارگانیک جامعه به پدیده مجرمانه است که بزه‌دیده را درک نموده و از او دلجویی می‌کند؛ علت بزهکاری و شرایط بزهکار را کشف می‌کند و پاسخی متناسب با آثار جرم و با نظر

داشتن به قضاوت جامعه در قبال پدیده مجرمانه با توجه به هنجارهای جامعه از طریق جامعه ارائه می‌دهد. در پاسخ جامعوی سه مطلب وجود دارد:

در گام اول، به شرایط بزهکار و بزه‌دیده توجه شود و ابتدا این سؤال را پاسخ می‌دهد که آیا بزه‌دیده در قربانی شدن خود نقش داشته است؟ اگر پاسخ منفی است، شرایط بزهکار مورد تحلیل قرار می‌گیرد ولی اگر پاسخ مثبت است، تأثیر بزه‌دیده در قربانی شدن فراموش نمی‌شود.

در گام دوم، اثر بزه مورد سنجش قرار می‌گیرد که آیا نظم عمومی جامعه، مختل شده است و یا دعوی با یک عذرخواهی بزهکار از بزه‌دیده، پایان می‌یابد. اگر نظم عمومی از بین نرفته است، جرم‌زدایی صورت گرفته و موضوع از طریق مصالحه و تفهیم اقدام نامناسب بزهکار، از طریق حاضرین درصحنه جرم، مختومه می‌شود. در این مرحله نیز، هیچ اثری از قوای امنیتی و قضایی نیست. ولی اگر نظم عمومی جامعه مخدوش شده است، ابتدا نظم عمومی برقرارشده و سپس به آثار جرم در جامعه عمومی توسط افراد جامعه پرداخته می‌شود.
در گام سوم نیز اگر موضوع با تسامح و مصالحه خاتمه نیافت، جامعه مدنی، کیفر رساندن بزهکار یا مصالحه میان این افراد را از نظام عدالت کیفری درخواست می‌کند. نظام عدالت کیفری نیز با جلب نظر جامعه و با مشارکت مردمی و درک تأثیرگذار بودن اقدام بزه‌دیده یا عدم تأثیرگذاری وی، کیفری متناسب که شرایط بحرانی برای بزهکار ایجاد نکند، انتخاب می‌کند؛ مانند این‌که از بزهکار جرم توهین بخواهد کتابی یا مجموع احادیث در راستای توهین ازنظر شرع مقدس و حقوق ایران یا حقوق تطبیقی بخواند یا بنویسد. یا این‌که در دو پرونده توهین، برای جلب رضایت شاکی تلاش کند.
آنچه در این پاسخ جامعوی مشاهده کردید، می‌تواند هم رویکردی کیفر رسان و هم رویکرد پیشگیرانه داشته باشد که در هر دو حالت، تعامل با بزهکار و بزه‌دیده صورت می‌گیرد. تقابل با بزهکار، عمدتاً در پاسخ دولتی صورت می‌گیرد که در برخی از جرایم فرهنگی، این موضوع موردنیاز است. لذا رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در کنترل جرایم فرهنگی، رویکردی تعامل‌گرا مبتنی بر آرمان و واقعیت است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۵).

باید به این مطلب نیز توجه کرد که پیشگیری از جرم و انحراف در سه سطح صورت می‌گیرد. سطح نخست، سطح عمومی است گه در این سطح، سه ابزار رسانه، آموزش (پیشگیری رشد مدار) و فضای مجازی، می‌تواند باور فرهنگی در قبال جرایم فرهنگی را تشریح و ترویج دهد. به‌عبارت‌دیگر، اگر پیام بازرگانی مبتنی بر پیشگیری از جرم پخش می‌شود مانند آنکه در زمان عصبانیت، کظم‌غیظ نموده یا خشونت نداشته باشید و... برای همه افراد در سطح عمومی، قابل‌درک باشد و مخصوص گروه خاصی نباشد. سطح دوم، پیشگیری از جرم و انحراف برای گروه‌های خاص است که عبارت‌اند از اطفال، زنان، سالمندان، معلولین، بیماران، اقلیت‌های مذهبی، مهاجرین و افراد محجور (مجنون و سفیه). در قبال هر گروه، اگرچه ابزار رسانه، آموزش و فضای مجازی کاربرد دارند ولی سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های خاص حمایتی که متشکل از آحاد جامعه است، نقش مناسب خود را ایفا می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۱۳۴). به‌طور مثال، در خصوص افرادی که ترک اعتیاد کرده‌اند، سازمان‌های مردم‌نهاد یا گروه خاص اقدام به بررسی مشکلات آنان و حمایت از آنان نموده و با برگزاری جلسات مختلف، انگیزه و شرایط آنان را رصد می‌کند و نوعی کنترل اجتماعی از جرم و انحراف صورت می‌گیرد. سطح سوم، پیشگیری از جرم و انحراف در مدیریت شهری است که این موضوع با اقتصاد شهری، معماری شهری، مشاغل شهری و تعامل شهروندان با بزهکار، همراه است. این سطح، انعکاس شهر عدالت ترمیمی است (شیری، ۱۳۹۶: ۷۹) که پیشگیری از جرم را از تمامی ارکان شهر، انتظار دارد و در تلاش است تا هیچ‌گاه موضوع به‌نظام عدالت کیفری واگذار نشود بلکه از پیش آمد آن خودداری کند، در صورت بروز و ارتکاب، با مداخله جامعه مدنی، پدیده مجرمانه را در جامعه کنترل کند.

به‌طور مثال، در صورت بروز تصادف میان دو خودرو (بدون آسیب جسمانی به انسان یا حیوانی)، جامعه مدنی آموزش می‌دهد که رانندگان خودرو، هیچ نیازی به پیاده شدن و یا فرار کردن از صحنه جرم ندارند بلکه کافی است با پلیس تماس

بگیرند تا آنان مقصر را مشخص کرده و خسارت آن از طریق بیمه به ساده‌ترین و سریع‌ترین طریق، پرداخت شود. در این پرونده، هیچ پدیده مجرمانه‌ای مشاهده نمی‌شود ولی اگر آموزش در خصوص فرار نکردن از صحنه جرم یا نیاز نبودن به پیاده شده از خودرو به رانندگان خودرو آموزش داده نمی‌شد، ممکن بود همین تصادف، زمینه قتل یا حداقل توهین با استفاده از الفاظ رکیک و ناموسی شود و خشونت در جامعه را افزایش دهد (شیری، ۱۳۹۶: ۲۷۴).

بااین‌حال، همواره به سیاست جنایی مشارکتی و عدالت ترمیمی این ایراد وارد است که در موضوعات خشن یا نشر فساد مانند آنکه فردی از دیگری، آثار مستهجن تهیه‌کرده و مدام وی را تهدید کرده و اخاذی می‌کند، جایگاهی برای جامعه مدنی نمی‌توان قائل بود. یا در جرایم علیه اموال فرهنگی مانند قاچاق یا رابطه نامشروع زنان متأهل، تسامح صفر مطرح می‌شود و مراحل مختلف سیاست جنایی مشارکتی، موردتوجه نیست (شیری، ۱۳۹۶: ۲۷۹). برای این شرایط، دو پاسخ داده شده است که نخست، تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی به جرم و انحراف و دوم تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به جرم و انحراف است که در ادامه، راهکارهای تقویت مشارکت مردمی در قبال موضوعات خشن، ناموسی یا مالی، بررسی می‌شود.

۲-۱- تقویت مشارکت مردم در پاسخ دولتی

مشارکت مردم در پاسخ دولتی به جرم و انحراف در دو مسیر شناسایی و تقاضای پاسخ صورت می‌گیرد. بدین‌صورت که با گزارش بزه‌دیدگی در موضوعات غیرقابل تسامح، مشارکت مردمی می‌تواند تقویت شود و شناسایی مجرم به‌عمل آید. به‌طور مثال، جامعه مدنی با نصب دوربین در مکان‌های اختصاصی خود، می‌توانند در زمینه شناسایی مجرم، نقش‌آفرینی کنند. البته به‌نحوی‌که با اصل استقلال فردی تعارض نداشته باشد و یا امنیت‌گرایی در جامعه را تشدید نکند. علاوه‌براین، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در فرایند دادرسی دخالت نموده و تقاضای رسیدگی به پدیده مجرمانه را داشته باشند. این موضوع نیز نوعی حمایت از بزه‌دیدگان در جرایم است (گارلند، ۱۳۹۵: ۲۶۳).

انتقاداتی به دو مسیر مذکور وارد است: نخست آن‌که تقویت مشارکت مردم در شناسایی مجرم یا تقاضای پاسخ دولتی، اختصاص به جرایم فرهنگی ندارد و استفاده از این راهکارها در برخی از جرایم فرهنگی قابل تسامح (مانند رابطه نامشروع دو فرد مجرد) منجر به تشدید وضعیت می‌شود و نمی‌توان میان جرایم فرهنگی قابل تسامح و غیرقابل تسامح، تفاوت ایجاد کرد. به‌طورمثال، هدف فرعی از استفاده از دوربین درب منزل شخصی، اگرچه قصد شناسایی قاچاقچی اموال فرهنگی بوده است ولی از آن برای شناسایی افراد فاقد حجاب شرعی در خیابان استفاده می‌گردد. ایراد دوم آن است که وقتی قانون‌گذار نسبت به برخی از موضوعات فرهنگی، جرم‌زدایی نکرده است، تسامحی دانستن یا عدم آن، امری بی‌فایده است؛ زیرا تمامی جرایم مبتنی بر اصل قطعیت کیفر و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات است.

بدین ترتیب با دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در امر پاسخ‌دهی کیفری، مشارکت مردمی در راستای عدالت ترمیمی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه مشارکت مردمی، بازوی عدالت تنبیهی می‌شود. درنهایت باید بر این نکته تأکید کرد پاسخ دولتی همواره تضعیف‌کننده مشارکت مردمی است و مشارکت مردمی را در پیشگیری از جرم نمی‌توان تبیین کرد. بلکه پس از ارتکاب جرم، مشارکت مردمی قابل تقویت است. لذا این رویکرد، در رویه عملی، نمی‌تواند توفیقاتی داشته باشد (زینالی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) و چسباندن نقش مردم به پاسخ دولتی، الحاقی ناکارآمد است.

۲-۲- تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی

در پاسخ جامعوی، علت شناسی از ارتکاب جرم، تناسب‌سازی میان جرم و کیفر و رسیدگی تسامحی و مداخله‌گری افراد جامعه، صورت می‌گیرد. مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به اشکال زیر بروز می‌کند ولی لازم است پیش از پرداختن به تقویت مشارکت مردم در پاسخ جامعوی به این سؤال پاسخ داده شود که آیا این تعامل مردمی در پاسخ جامعوی، به کنترل جرایم فرهنگی اختصاص دارد یا در قبال سایر جرایم نیز همین مطالب بازگو می‌شود؟ اگرچه این موضوع انحصاراً به جرایم فرهنگی مختومه نمی‌شود ولی تأثیر اصلی مشارکت مردمی در

جرایمی است که توسط عموم افراد جامعه قابل ارتکاب است و دامنه مرتکبین آن از سایر جرایم بیشتر است. لذا نمی‌توان به اختصاصی بودن این مسیر اذعان کرد ولی می‌توان بر تأثیرگذاری حداکثری آن در کنترل جرایم فرهنگی تأکید نمود. اکنون اشکال سه‌گانه مشارکت مردمی در پاسخ جامعوی برای کنترل جرایم فرهنگی بررسی می‌شود.

زمانی که یکی از بانوان جامعه، قربانی جرم مزاحمت شود، مشارکت مردمی در حمایت از بزه‌دیده به‌عمل‌آمده و ابتدا با ترس قربانی جرم از طریق التیام شرایط روانی وی صورت می‌گیرد. سپس راهنمایی برای بهره‌مندی از پاسخ دولتی یا برای مقابله با تکرار جرم، تکرار بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگی ثانویه، به عمل می‌آید. بدین ترتیب، حمایت اجتماعی از قربانی با مشارکت مردمی محقق می‌شود. از طرفی اگر قربانی جرم، نیاز به حمایت اقتصادی داشته باشد، مشارکت مردمی در قالب پویش، به نیاز اقتصادی قربانی جرم، پاسخ می‌دهند و حمایت اقتصادی نیز صورت می‌گیرد. این موضوع منحصر به جرایم فرهنگی دارای بزه‌دیده نیست. بلکه در جرایم فاقد بزه‌دیده مستقیم مانند جرایم علیه اموال فرهنگی یا جرایمی مانند عدم رعایت حجاب شرعی، اعمال منافی عفت و انتشار تصاویر مستهجن، اگرچه بزه‌دیده مستقیم و شخصی برای آن قابل‌ذکر نیست ولی مشارکت مردمی موجب بازسازی اجتماعی در این گروه از جرایم فرهنگی نیز می‌شود. بدین‌صورت که جامعه و مردم در تلاش می‌کنند تا آثار جرایم مذکور، نسبت به اطفال یا گروه‌های خاص مطابق تعلیمات پیشگیری اجتماعی جامعه مدار، صورت گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۴۴).

مشارکت مردمی بدون توجه به زیرساخت‌های فرهنگی (نظری یا تئوری) و عملیاتی (ساختاری) غیرممکن است زیرا با اصل استقلال فردی تعارض دارد و موجب برهم زدن نظم عمومی می‌شود. به‌طور مثال، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، اگر در جامعه نهادینه نشود، به‌عنوان دخالت در زندگی فردی معرفی می‌شود (در فضای مجازی مشاهده می‌شود که موارد مردمی امربه‌معروف و دخالت خواندن آن، به‌وفور وجود دارد.) یا در حمایت اقتصادی و پویش‌های مدنی، باید نظارت بر آن صورت گیرد تا بزه دیگری از درون آن شکل نگیرد. (در موضوع زلزله استان کرمانشاه و شهر سرپل ذهاب در ۱۸ آبان ۱۳۹۸، ۱۴۶ پرونده کلاهبرداری تحت عنوان پویش مردمی کمک به زلزله‌زدگان در استان تهران تشکیل‌شده است.) لذا مشارکت مردمی باید از طریق تهیه زیرساخت‌ها و شرایط مطلوب صورت گیرد. در غیر این صورت، این مشارکت، تأثیر حداکثری خود را نخواهد داشت.

یکی دیگر از جلوه‌های مشارکت مردم، نظارت در مدیریت شهری است. به‌طور مثال، اگر فساد یا جرمی ارتکاب یابد، مشارکت مردم در نظارت بر مدیران و کارکنان مؤثر است. (برای مطالعه قانون سه ضربه‌ای و سپس اخراج، ر.ک. به: رضوانی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۰۹) ولی این موضوع در کنترل جرایم فرهنگی از طریق مطالبه‌گری از نظام‌مهندسی و مدیریت شهری است؛ یعنی مکان‌های مستعد برای ارتکاب برخی از جرایم فرهنگی مانند مزاحمت، توسط مردم مورد شناسایی و از مدیریت شهری مطالبه پیشگیری می‌شود. در خصوص این‌که سازمان‌های مردم‌نهاد، جزء برنامه‌ها یا ابزارهای عدالت‌ترمیمی است، اختلاف‌نظر وجود دارد. بدین معنا که در آثار مربوط به عدالت‌ترمیمی، به این موضوع اشاره نشده است (ر.ک. به: سماواتی پیروز، ۱۳۸۵ یا رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۷) و این موضوع را در قالب مشارکت جامعه مدنی یا هیأت‌های جامعوی می‌دانند و برخی، این موضوع را به‌عنوان یک موضوع مستقل مطرح می‌کنند. علت مستقل دانستن این موضوع این است که در حقوق ایران به‌تازگی در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، آمده است که از گروه‌های خاص، در راستای حمایت از حقوق شهروندی، اقامه و تعقیب فرایند دادرسی را عهده‌دار شده و کسب رضایت از بزه‌دیده نیز از وظایف این سازمان‌ها است که در تبصره ۱ این ماده آمده است. به نظرمی رسد «سازمان‌های مردم‌نهاد» یا «سازمان عمومی غیردولتی» یا «سَمَن» را می‌توان یکی از کنشگران غیررسمی دانست که در کشف و پیگیری فساد نیز مؤثر است. داوطلب بودن، صلح‌طلب بودن، حل اختلافات، اقدامات خیرخواهانه از مهم‌ترین ویژگی‌های این سازمان‌ها است. این سازمان‌ها، در معنای عام به مفهوم سازمانی است که قسمتی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود ولی به‌عنوان واسطه بین تمام افراد جامعه و قوای حاکم و همچنین بین ساخت‌های متکثر جامعه نقش مهمی ایفا

می‌کند. درواقع می‌توان استقلال سازمان‌های مردم‌نهاد از دولت را مهم‌ترین و باارزش‌ترین امتیاز این سازمان‌ها محسوب کرد که به آن‌ها کمک می‌کند بدون نیاز به فرآیندهای اداری و با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی برای تحقق اهداف خود تلاش کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد به‌صورت غیرانتفاعی و برای اهداف غیرسیاسی و غیرتجاری تشکیل می‌شوند. این سازمان با توجه به آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد که در شهریورماه ۱۳۹۵ در هیأت دولت به تصویب رسید، سازمان نهاد غیرسیاسی و غیرانتفاعی بوده و با رویکردی اجتماعی توسط جمعی از اشخاص حقیقی به شکل داوطلبانه تشکیل و اداره می‌شود. خیریه‌ها در سراسر دنیا به‌عنوان یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند که اهدافی مثل کاهش فقر یا تبعیض را در نظر دارند. نظام‌مندی خیریه‌ها می‌تواند فعالیت‌های آنان را اثربخش‌تر و مستحکم‌تر سازد (بابایی و صفایی آتشکده، ۱۳۹۳: ۸۱-۱۰۶؛ رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۶۸؛ سودمند راد، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۵) نکته نهایی در خصوص کنترل جرایم فرهنگی در سیاست جنایی مشارکتی، چالش‌های مشارکت مردمی است که از یک‌سو ممکن است موجب تضییع حقوق بزه‌دیده یا بزهکار شود و از طرفی، مسیر عدالت از منهج اصلی خارج شود. زمانی که مردم در موضوعات مختلف، مانند برخورد نامناسب پلیس به هنجارشکنان پوشش و لباس، عکس‌العمل نشان می‌دهد ممکن است اسیر هیجانات یا سایر وقایع قرار بگیرند و از هدف اصلی خارج شوند. یا این‌که با انتشار مطالب در راستای جذب مشارکت مردمی، اطلاعات ناصحیح شایع شود و به حقوق معنوی یا حتی مادی افراد صدمه وارد آید. این موضوع نشان از عدم مدیریت در جذب مشارکت مردمی است که باید به آن توجه کرد. چالش دیگر این است که سیاست جنایی مشارکتی به‌تنهایی نمی‌تواند کنترل‌کننده جرایم فرهنگی باشد. باید از سیاست جنایی تقنینی و قضایی در پاسخ دولتی به جرایم فرهنگی کمک بگیرد و با سیاست جنایی مشارکتی، شرایط حمایتی و مشارکتی را فراهم سازد. نهایت آن‌که در سیاست جنایی مشارکتی به جرایم خشونت‌بار فرهنگی یا جرایم فرهنگی مبتنی بر حیثیت فرد یا خانواده، به‌دلیل عدم امکان گسترش مشارکت مدنی، نقاط ضعفی مشاهده می‌شود که تاکنون هیچ محققی در این رابطه، اظهارنظر نکرده است و باید منتظر بود که پویایی و فعال بودن سیاست جایی مشارکتی در این زمینه ترسیم شود یا نظر به ایستایی و منفعل بودن آن، بدیهی و آشکار شود.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رویکرد «سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی» است که برای این منظور، مدل مفهومی در گونه‌های جرایم فرهنگی تهیه شد و مطابق آن، چهار دسته از جرایم فرهنگی در سیاست جنایی تقنینی ایران شناسایی و دسته‌بندی شد. مطابق این مدل مفهومی، منظور از جرایم فرهنگی، جرایم علیه اموال فرهنگی، جرایم مربوط به رفتار، جرایم مربوط به پوشش و جرایم مربوط به نشر فحشا است که در سه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ و قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند ۱۳۸۶ جرم‌انگاری صورت گرفته است و سایر موضوعات به‌عنوان جرم فرهنگی مقبول دانسته نشد. ملاک در تعیین جرم فرهنگی، این است که هدف و آثار جرایم فرهنگی، نقض فرهنگ، باور و هنجار و عرف جامعه باشد. سیاست جنایی مشارکتی نیز، دخیل ساختن مشارکت مردمی را دنبال می‌کند که هدف اصلی این سیاست، پیشگیری (اجتماعی) است. سؤال اصلی تحقیق این بود که رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در برابر جرایم فرهنگی چیست؟ که نتیجه نهایی این است که تقویت مشارکت مردمی در پاسخ جامعوی در قبال جرایم فرهنگی، (برخلاف تقویت مشارکت مردمی در پاسخ دولتی)، مؤثر و مطلوب است برخلاف تقویت مشارکت مردمی در پاسخ دولتی. از طرفی، سیاست جنایی مشارکتی، در حال حاضر، با چالش‌های جدی روبه‌رو است و تداخل با اصل استقلال فردی یا افزایش اقتدارگونه امنیت‌گرایی از یک‌سو و از سوی دیگر، عدم تشریح جایگاه مشارکت مردمی در جرایم خشونت‌بار یا فاقد بزه‌دیده مستقیم یا در جرایم فرهنگی مبتنی بر حیثیت، مهم‌ترین چالش‌های سیاست جنایی مشارکتی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافعی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مآخذ

– آسیایی، رؤیا (۱۳۹۶). *درآمدی بر جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: مجد.

– آقائی، سارا (۱۳۹۷). *تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: میزان.

– ابراهیمی جرجانی، حدیث (۱۳۹۷). *واکاوی تدابیر تقنینی و قضایی در قبال جرایم فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق‌جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی.

– اکبری، مسعود و قناد، فاطمه (۱۳۹۵). *پاسخ دولتی به انحراف در سیاست جنایی ایران*. تهران: مجد.

– امانی، مجتبی (۱۳۹۵). *ارزیابی مداخلات کیفری در حوزه پوشش جوانان از منظر جرم‌شناسی فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته حقوق‌جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

– بدیع، برتران (۱۳۷۶). *فرهنگ و سیاست*. ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: دادگستر.

– بابایی، جابر و صفائی آتشگاه، حامد (۱۳۹۳). «جایگاه قانونی مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری از جرم در ایران». *نشریه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۳۳: ۸۱–۱۰۶.

– بیابانی، غلامحسین (۱۳۸۶). *جرم و فرهنگ*. تهران: آگاه.

– پرسدی، مایک (۱۳۹۶). *جرم شناسی فرهنگی و کارنوال جرم*. تهران: میزان.

– جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: میزان.

– جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه شناسی کیفر*. تهران: میزان.

– دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۸). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. تهران: میزان.

– ذکایی، سعید (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی فرهنگی و مسأله جوانان*. تهران: آگاه.

– رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۷). *رویکردهای نوین در جرم‌شناسی انتقادی و سیاست جنایی*. تهران: مجد.

– رحمت، محمدرضا (۱۳۹۰). *پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی*. تهران: میزان.

– رضوانی، سودابه (۱۳۹۱). *مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*. تهران: میزان.

– رمضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری». *نشریه حقوقی دادگستری*، ۹۹: ۱۳۹–۱۶۸.

– زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۶). *جرم انگاری در حوزه فرهنگ*. تهران: مجد.

– ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۸). *مجازات و کنترل اجتماعی*. تهران: میزان.

– سجادی، سیدعماد (۱۴۰۰). *تحولات اجتماعی و جرایم اخلاقی و تأثیر آن بر رویه قضایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

– سودمندراد، امیر (۱۳۹۵). «نقش حمایتی سازمان‌های مردم نهاد در فرایند رسیدگی کیفری». *نشریه دادرسی*، ۱۱۸: ۶۰–۶۵

– شیری، عباس (۱۳۹۶). *عدالت‌ترمیمی*. تهران: میزان.

– گارلند، دیوید (۱۳۹۵). *مجازات و جامعه مدرن*. ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: میزان.

– گسن، رمون (۱۳۷۰). *جرم شناسی نظری*. تهران: مجد.

– گسن، رمون (۱۳۹۲). *جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی‌تزویر)*. ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران: میزان.

– لازرژ، کریستین (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

– محمدی، اقبال (۱۳۹۲). *عامل‌شناسی فرهنگی جرم و راه‌های پیشگیری از آن*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته حقوق‌جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی.

– محمدی، فاطمه (۱۳۹۷). *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دختران نوجوان به خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه در شهر مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

– معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ نامه فارسی*. تهران: سرایش.

– نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*. مقطع دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.

– جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). *سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*. به کوشش امیرحسین نیازپور و با دیباچه حسین میرمحمدصادقی، تهران: میزان.